

ترجمه انگلیسی این مقاله نیز با عنوان:
Layered Semiotics and the Perception of Meaning
in the Architecture of Traditional Houses in Yazd
در همین شماره مجله به چاپ رسیده است.

مقاله پژوهشی

واکاوی نشانه‌شناسی لایه‌ای و ادراک معانی در معماری خانه‌های سنتی یزد*

زهرا محمودی غزنوی^{۱*}، وحید احمدی^۲

۱. دانشجوی دکتری معماری، گروه هنر و معماری، دانشکده هنر و معماری، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.
۲. استادیار گروه هنر و معماری، دانشکده هنر و معماری، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۴/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۲۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۲۱

چکیده

بیان مسئله: مطالعات معماری روی خانه‌های سنتی شهر یزد نشان می‌دهد که این ساختمان‌ها از لایه‌های مختلف معنایی تشکیل شده‌اند که شامل لایه دسترسی، لایه ساخت و لایه زیبانشناختی می‌شوند. این لایه‌ها از طریق استفاده از عناصر فرهنگی و مفهومی، ساختارهای مختلفی را در خود جای داده‌اند. اما مسئله اصلی این است که چگونه این لایه‌ها، با بهره‌گیری از اصول نشانه‌شناسی و ادراک معانی، مفهوم‌بخشی به فضاهای مسکونی ایجاد و در تداوم و ارتباط با فرهنگ محیطی خود موفق عمل کرده‌اند؟ این مسئله نقش به‌سزایی در طراحی معماری مسکونی امروزی با تأکید بر ارتباط فضا و فرهنگ را بررسی می‌کند.

هدف پژوهش: هدف اصلی این پژوهش، بررسی و تحلیل مفهوم‌بخشی فضاهای مسکونی در خانه‌های سنتی شهر یزد با بهره‌گیری از اصول نشانه‌شناسی و ادراک معانی است. این پژوهش به بررسی چگونگی ایجاد مفهوم بخشی در لایه‌های مختلف معماری خانه‌ها، ارتباط آن با فرهنگ محلی و تأثیر این مفاهیم در طراحی فضاهای مسکونی امروزی می‌پردازد. همچنین، این پژوهش به منظور ارائه راهبردهایی برای افزایش اثربخشی طراحی فضاهای مسکونی معاصر، با تأکید بر استفاده از الگوها و معانی نهفته در خانه‌های سنتی، انجام شده است.

روش پژوهش: در این پژوهش، از روش تحقیق کیفی با استفاده از مطالعه تطبیقی و تحلیل محتوا با رویکرد نشانه‌شناسی و معناشناسی استفاده شده است. داده‌ها به صورت توصیفی و از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و مشاهدات میدانی، جمع‌آوری و در مراحل تعبیر، تفسیر و ارزیابی از رویکرد تفسیری استفاده شده است.

نتیجه‌گیری: در این پژوهش، با استفاده از رویکرد نشانه‌شناسی و معناشناسی، معماری خانه‌های سنتی در شهر یزد بررسی شده است. نتایج حاکی از توانایی خاص این خانه‌ها در بهره‌گیری از عناصر معماری و رمزگان برای ارتقای ارتباطات اجتماعی و فرهنگی درون و برون خانه است. این تداخل معانی و کارکردها، هماهنگی داخلی و ارتباط با فرهنگ محلی را تقویت می‌کند. از نظر نشانه‌شناسی، خانه‌های سنتی یزد به‌عنوان الگوهای ارزشمندی می‌توانند در طراحی‌های معاصر و بهبود فضاهای مسکونی بهره‌مند شوند.

واژگان کلیدی: معنا، نشانه‌شناسی لایه‌ای، رویکرد تطبیقی، خانه‌های سنتی یزد.

مقدمه و بیان مسئله

مورد بررسی نقش فرهنگ بر شکل‌گیری خانه انجام شده است که مهم‌ترین این آثار می‌توان به آثار آموس راپاپورت اشاره کرد، وی در کتاب انسان‌شناسی مسکن و آثار مشابه، خانه را به‌عنوان تجلی‌گاه فرهنگ ساکنان معرفی کرده است. در اکثر پژوهش‌ها با رویکردی ذهنی به موضوع، شیوه‌های مختلف زندگی و همچنین نظام فعالیتی و الگوهای رفتاری ساکنان خانه‌ها بررسی شده و از این طریق سعی در شناخت فرهنگ آن‌ها در شکل‌گیری آثار معماری آن‌ها داشته‌اند (Mozaffar et al., 2012, 61).

در عصر نوین، معماری به‌عنوان یک‌زبان مؤثر و قدرتمند شناخته می‌شود که در نظریه‌های ساختارگرایانه و پساساختارگرایانه،

خانه مهم‌ترین گستره حضور و رشد انسان را به خود اختصاص داده است، بنابراین می‌تواند به بهترین شکل جایگاه تبلور فرهنگ و مؤلفه‌های آن باشد. ضرورت حفظ فرهنگ بازگشتی اندیشمندان به مسکن بومی ایران و استفاده از ویژگی‌ها و عناصر اصلی آن برای خلق شیوه‌ای جدید از معماری مسکونی همراه با فناوری جدید و مقتضیات روز را ایجاب می‌کند. ادیان، اندیشه‌ها و فرهنگ‌های مختلف، راه‌حلی‌هایی متفاوتی جهت تبیین مسئله سکونت بیان داشته‌اند (Heidari et al., 2019, 51). پژوهش‌های مختلفی در

* نویسنده مسئول: ۰۹۱۵۴۴۱۱۹۷۹، zahra.mahmoudighaznavi@iau.ac.ir

و خوانش نشانه‌های معماری قاجار به‌واسطهٔ مواجههٔ تطبیقی، مفاهیمی را برای معنادار کردن فضاهای مسکونی امروز اخذ کرده و به‌واسطهٔ ادراک معانی ضمنی فضاهای خانه، به کشف شاخصه‌ها و مؤلفه‌هایی جهت خواناتر کردن معماری امروز نائل شود. این پژوهش به‌منظور شناخت و درک مبانی نظری و مطالعهٔ اندیشه‌های مرتبط با خانه به کاوش در فضاهای متعدد و اکتشاف نشانه‌های نهفته در خانه‌های قاجار یزد و از طریق خوانش و تفسیر متنی معماری خانه‌های سنتی و درک معانی نهفته در آن‌ها به ارائه و اخذ مدل مفهومی خواهد پرداخت.

پیشینهٔ پژوهش

پیشینهٔ نشانه‌شناسی به دوران باستان باز می‌گردد، جایی که فیلسوفانی چون افلاطون و ارسطو به بررسی مفاهیم مرتبط با نشانه‌ها پرداختند. در دوران باستان، فیلسوفان رواقی و قدیس آگوستین نیز مباحثی پیرامون نشانه‌ها مطرح کردند. در دوران مدرن، جان لاک، فیلسوف انگلیسی، به این موضوع پرداخت و به‌مرور، نشانه‌شناسی به‌عنوان یک حوزهٔ مستقل شکل گرفت. در اوایل قرن بیستم اندیشمندانی چون فردینان دوسوسور و چارلز ساندرز پیرس مطالعاتی در خصوص نشانه‌شناسی انجام داده‌اند. رولان بارت (Barthes, 1991) در کتاب معروف خود عناصر نشانه‌شناسی با تکیه بر دستاوردهای زبان‌شناختی سوسور، مهم‌ترین نظریه در حوزهٔ نشانه‌ها را تدوین کرد. امبرتو اکو نیز در این زمینه به ارائهٔ نظریاتی پرداخته است. خاستگاه نشانه‌شناسی از افلاطون و ارسطو آغاز شده است و سده‌های میانی را سیراب می‌سازد. از جمله کسانی که پیش از آغاز نشانه‌شناسی به‌عنوان یک رشتهٔ علمی و یک حوزهٔ مستقل، آرایه را مطرح کرده‌اند می‌توان از افلاطون، ارسطو، فیلسوفان رواقی، قدیس آگوستین و جان لاک نام برد. فردینان دوسوسور زبان‌شناس سوئیسی و چارلز ساندرز پیرس که در گذشته می‌زیسته است، از بنیان‌گذاران اصلی آنچه امروز نشانه‌شناسی نامیده می‌شود، هستند. از دیگر فیلسوفانی که در این زمینه فعالیت‌هایی داشته‌اند می‌توان به امبرتو اکو، رولان بارت و لویی یلمزلف، ژاک دریدا، هانس گئورگ گادامر، میشل فوکو اشاره کرد. در ایران نیز افرادی چون فرزاد سجودی، امیرعلی نجومیان، محمد ضیمران، ناصر فکوهی به ارائهٔ نظراتی در زمینهٔ نشانه‌شناسی پرداخته‌اند (جدول ۱). در دههٔ هفتاد میلادی مطالعات زبان‌شناسی در حوزهٔ هنر جای خود را پیدا کرد و در پی آن نشانه‌شناسی به‌عنوان شاخه‌ای از زبان‌شناسی، در نقد و خوانش متن هنری استفاده شد. در سال‌های اخیر مقالات و پژوهش‌هایی در زمینهٔ نشانه‌شناسی معماری و معنای خانه تألیف شده که در ذیل به نقد و بررسی آن‌ها پرداخته شده است. رسالهٔ دکتری «ویکردی تحلیلی به سیر تحول خانهٔ ایرانی در عهد قاجار» از قلیچ‌خانی (۱۳۹۱) به بررسی گسترده و چندرویی این مفهوم پرداخته است. تحلیل این پژوهش به دو جنبهٔ مرکزی متمرکز شده است؛ اولاً، تأثیرات محیط‌زیست اجتماعی و تاریخی ایران در دوران مورد مطالعه و دوماً، نقد معماری و کالبد بنا به همراه تغییرات

بناهای معماری به‌عنوان یک متن دیده می‌شوند (Nesbitt, 2012). متن معماری مانند یک زبان است که مجموعه‌ای از ارزش‌ها، اندیشه‌ها و سنت‌ها را به همراه خود منتقل می‌کند. این زبان به‌صورت پنهان در پس پردهٔ خود با مخاطب به گفت‌وگو می‌نشیند و مخاطب نیز سعی در خوانش و تفسیر معنای این زبان دارد. معنا، به‌عنوان یکی از مفاهیم کلیدی در زمینه‌های روانشناسی، جامعه‌شناسی، معماری، شهرسازی و طراحی منظر، به‌ویژه امروزه با پیشرفت فناوری اطلاعات و پدیدهٔ جهانی‌شدن، جایگاه و اهمیت بیشتری پیدا کرده است. در حوزهٔ معماری، معنانه‌تنها در ابعاد فرمی و عملکردی ساختمان‌ها بلکه در تداخل با عناصر مادی، اهمیت به‌سزایی دارد و شناخت بهتر آن زمانی ارزش بیشتری می‌یابد که علاوه بر بررسی عناصر و ویژگی‌های کالبدی معماری، معانی برخاسته از آن نیز واکاوی شود (Castells, 2001).

با اینکه معماری هر سرزمین بیانگر فرهنگ، آداب و رسوم، ارزش‌ها و ویژگی‌های اجتماعی و حتی اقلیمی آنجا است، ولی معماری امروز ایران فاقد معنا و ریشه‌های فرهنگی است. «معماری معاصر ایران در حال حاضر در بی‌هویتی به سر می‌برد و آثار جدید تقریباً فاقد روح فرهنگی و معنوی گذشته هستند» (Diba, 1995, 22). راپاپورت (Rapoport, 2009) معتقد است «باوجود توسعهٔ فعالیت‌های ساختمانی در ایران و بالارفتن سطح فنی آن‌ها، فعالیت‌های معمارانه در اکثر موارد، هنوز از تقلید معماری‌های مد روز جهانی رها نشده و اکثراً عاری از اندیشه و ارزش مشخص و تثبیت شده است». با توجه به مباحث مطروحه و شرح نظرات صاحب‌نظران این عرصه، معماری امروز با چالش‌ها و تحول روبه‌رو است. چالش‌ها و مسائل معماری معاصر ضرورت پرداختن به پژوهش حاضر را سبب شده است. اوضاع معماری کنونی ایران از جمله متن‌های ناآشنا و با هویت نامطلوب و عدم امکان خوانش معماری بناهای معاصر، به‌ویژه بناهای مسکونی مسئله‌ای قابل توجه است. بناهای مسکونی امروز بر مبنای اصول و ضوابط معماری مدرن و پسامدرن شکل گرفته‌اند و از نظر کالبد، جایگاه و اهمیت بالایی برخوردارند. به گفته شولتز (Norberg-Shulz, 2008, 49)، «معماری به‌مثابهٔ اثر هنری، واقعیت‌ها یا ارزش‌های برتری را معین می‌سازد». بنابراین اهمیت توجه به این اصول در معماری معاصر نمی‌تواند نادیده گرفته شود. معماری بیان بصری از ایده‌ها را به دست می‌دهد، ایده‌هایی که چیزی را برای بشر معنادار می‌کنند، چراکه به واقعیت سامان می‌بخشند. خانه‌های سنتی سرشار از رمز و راز و نشانه‌های معنایی هستند که به‌طور مجزا به تبیین و تقویت جنبه‌های فرهنگی و معماری این بناها کمک می‌کنند. ادراک و کشف رموز نهفته در خانه‌ها مبتنی بر شناخت نشانه‌هاست. از آنجاکه نشانه‌شناسی به انتقال معنا می‌پردازد و ادراک معانی ضمنی مستور در متون متعدد و خوانش متن جهت فهم زبان زیرین آن به‌واسطهٔ علم نشانه‌شناسی امکان‌پذیر است، لذا آموخته‌ها و پژوهش‌های انجام‌شده، مباحث نشانه‌شناسی را به‌عنوان یک روش برای مطالعهٔ مسائل مطروحهٔ خانه، مرتبط و کارآمد می‌داند. این پژوهش در صدد است با نگاه

جدول ۱. صاحب نظران عرصه نشانه‌شناسی. مأخذ: نگارندگان.

دوره تاریخی		صاحب نظران	
دوران باستان	افلاطون ^۱ (۴۲۸-۳۴۸ پیش از میلاد)	ارسطو ^۲ (۳۸۴-۳۲۲ پیش از میلاد)	رواقیون ^۳
دوران جهان معاصر	جان لاک ^۵ (۱۶۳۲-۱۷۰۴) امبرتواکو ^۸ (۱۹۳۲-۲۰۱۶) میشل فوکو ^{۱۲} (۱۹۲۶-۱۹۸۴)	فردینان دوسوسور ^۴ (۱۸۵۷-۱۹۱۳) رولان بارت ^۹ (۱۹۱۵-۱۹۸۰) ژاک دریدا ^{۱۳} (۱۹۳۰-۲۰۰۴)	چارلز ساندرز پیرس ^۷ (۱۸۳۹-۱۹۱۴) لوئی ترول یلمزولف ^{۱۰} (۱۹۶۵-۱۸۹۹)
ایران	فرزان سجودی	امیرعلی نجمیان	ناصر فکوهی
			محمد ضیمران
			قدیس آگوستین ^۴ (۳۵۴-۴۳۰)
			هانس گئورگ گادامر ^{۱۱} (۱۹۰۰-۲۰۰۲)

اصفهان و تاریخ معماری-معنوی ایران نقش به‌سزایی داشته است. تحلیل نشانه‌شناختی سامانه مسکن ایرانی بر پایه ارتباط لایه‌های متن/مسکن (Noghrekar & Raeisi, 2011) به بررسی لایه‌های مختلف نشانه‌ای در معماری مسکن ایرانی پرداخته است. این تحقیق با استفاده از مدل نشانه‌شناسی لایه‌ای، به تحلیل تأثیرات متقابل کالبد، عملکرد و معنا در طراحی مسکن ایرانی و بازتاب ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی در آن پرداخته است. در این چارچوب، لایه کالبدی به ساختار فیزیکی بنا اشاره دارد، لایه عملکردی به چگونگی استفاده از فضا و رفع نیازهای ساکنین پرداخته و لایه معنایی بازتاب‌دهنده ارزش‌ها و باورهای فرهنگی، دینی و اجتماعی است. پژوهش تلاش می‌کند نشان دهد که چگونه این لایه‌ها در کنار هم معنا را شکل می‌دهند و باعث می‌شوند که خانه نه تنها به‌عنوان یک پناهگاه فیزیکی، بلکه به‌عنوان یک موجود زنده فرهنگی در نظر گرفته شود.

مبانی نظری

• معنا و معناشناسی

معنا به مفهوم، منظور، مراد، مدلول، فحوا، تأویل، تفسیر، باطن و همچنین آنچه شکل یا کلمه، لفظ یا صورت بر آن دلالت دارد، اشاره دارد (Dehkhoda, 1998). در مقایسه با «صورت» و «لفظ یا مصداق»، معنا معمولاً به‌عنوان چیزی پنهان و باطن، مرتبط با دلایل و آگاهی‌های ذهنی، در مقابل صورت آشکار و قابل مشاهده قرار می‌گیرد. در زمینه فلسفه زبان، نظریه‌های مختلفی بر سر ماهیت معنا مطرح شده است. از جمله، جان لاک معنا را تصور یا نوعی ایده ذهنی می‌شمارد. تفاوت نظرات فیلسوفان در مورد ماهیت معنا؛ از جمله ایده ذهنی بودن آن تا بررسی واکنش‌های رفتاری و خارجی افراد به کلمات؛ نشان از پیچیدگی این مفهوم در فلسفه زبان دارد. یکی از مباحث مهم در معناشناختی، موضوع سطوح مختلف آن است. سطح اول، معنی اولیه یا اشاره اصلی است که مبین عملکرد یک موضوع خواهد بود. سطح بعدی، اشاره ضمنی خواننده می‌شود که طبیعتی نمادین دارد (Haeri, 2009). امبرتواکو در حوزه معنا در

درون و برون خانه‌های قاجاری. این تحقیقات ترکیبی از دیدگاه‌های تاریخ، معماری و علوم اجتماعی را برای درک ژرف مفهوم خانه ایرانی در عصر قاجار ارائه داده‌اند. محمدی و مختاری (۱۳۹۷) در مقاله «بررسی تأثیر معماری سنتی بر معماری معاصر با نگاه بر معماری شهر کاشان»، براساس روش کتابخانه‌ای و تحقیقات میدانی، با تمرکز بر چهار خانه نمونه از معماری سنتی اقلیم گرم‌وخشک شهر کاشان در دوره‌های قاجار و معاصر، انجام شده است. معماری این دوره‌ها با تأثیرات معماری غرب و حفظ ویژگی‌های سنتی ایران روبه‌رو بوده است. ویژگی‌های کلی معماری سنتی و معاصر این دوره‌ها مورد بررسی و تطبیق قرار گرفته‌اند. در زمینه نشانه‌شناسی در مقاله «واکوای فرایند تأویل در معماری خرده‌فرهنگ از منظر نشانه‌شناسی امبرتواکو» (Bakhtiari et al., 2022) ارائه شده است. از دیدگاه این پژوهش، معماری خرده‌فرهنگ با تأثیرات جغرافیایی و تاریخی محدودشده و تأویل بناها در طول زمان به‌صورت مستمر و اصلاحی ادامه می‌یابد. در مدل مفهومی ارائه‌شده، رمزگان نحوی و معنایی بناها، محدودیت‌های تاریخی و جغرافیایی خرده‌فرهنگ و تغییرات در صورت‌های بیانی و محتوایی بناها بررسی شده است. دانش‌پور و همکاران (Daneshpour et al., 2013) به بررسی فرم شهر از منظر نشانه‌شناسی لایه‌ای، در این مقاله به تحلیل فرم شهر از دیدگاه نشانه‌شناسی لایه‌ای پرداخته و شهر را به‌عنوان متنی پیچیده با لایه‌های مختلف نشانه‌ها، شامل نشانه‌های معماری، فرهنگی، اجتماعی و تاریخی، بررسی می‌کند. این مقاله به دنبال بررسی تأثیر این نشانه‌ها بر فرم شهر و درک شهروندان از محیط شهری است. در مقاله‌ای به قلم فرزان سجودی (۱۳۸۸ الف) با عنوان «چالش‌ها در لایه‌های متن: تحلیل نشانه‌شناسانه مسجد امام اصفهان»، این بنا با استفاده از رویکرد نشانه‌شناسی لایه‌ای بررسی شده است. نویسنده به تفکیک عناصر مختلف معماری، تزئینات و بافت‌های به‌کاررفته در مسجد پرداخته است تا نشان دهد هر یک به‌عنوان یک نشانه مجزا معنای خاص خود را دارند. سپس نشان داده است که ترکیب این نشانه‌های مفرد در کنار هم، معنای کلی‌تر و پیچیده‌تری برای این بنای مهم دینی-فرهنگی به وجود می‌آورد که در هویت‌سازی شهر

این سه سطح معنا، توانایی تشخیص بین کارکرد مستقیم و نحوه بهره‌مندی از یک عنصر و درک اجتماعی از آن را فراهم می‌آورند. در زمینه معماری، این ارتباط نزدیک و جامع با علم نشانه‌شناسی به‌وضوح مشهود است. اصول معنایی و نشانه‌هایی که در معماری به کار می‌روند، نه تنها به‌ظاهر و ساختارهای ملموس محدود نمی‌شوند، بلکه از مفاهیم و نمادهایی نیز تشکیل شده‌اند که از آنها برای ایجاد و انتقال معنایی و مفاهیم استفاده می‌شود.

• بررسی معنای خانه

سابقه پرداختن به موضوع خانه، به میزان سابقه زیستن انسان است؛ اما توجه به امر سکونت در دوران بعد از مدرن به‌واسطه عدم پاسخگویی محیط خانه بر تمامی جنبه‌های زندگی، افزون شد (Aghalatif & Hojjat, 2019, 43). هیوارد اولین کسی است که فهرستی از معنایی منتسب به خانه را اعم از ساختار کالبدی، قلمرو، مکان مشخص در جهان و هویت، ارائه کرد (Hayward, 1975). پس از این طرح موضوع، مطالعات مختلفی آغاز شد. در همان دوران، کلر کوپر مارکوس «خانه به‌عنوان نماد خویشتن» را مطرح کرد (Cooper Marcus, 1997). همچنین اپلیارد براساس مدل نیازهای مازلو ادعا کرد که خانه، آرامش روانی و نیازهای اجتماعی انسان را نیز تأمین می‌کند (Appleyard, 1979). در این زمان، در حوزه علوم اجتماعی نیز مطالعاتی مرتبط با خانه آغاز شده بود؛ پروشانسکی بیان کرده بود که محیط کالبدی انسان ساخت، بیشتر بازتابی از واقعیت‌های اجتماعی است تا صرفاً پدیده‌های فیزیکی (Proshansky, 1978) و درعین حال مطالعات راپوپورت سبب شده بود که به ابعاد فرهنگی خانه بیشتر توجه شود. در دهه ۱۹۸۰ میلادی، مطالعات معنای خانه، به‌خصوص در زمینه روانشناسی، در جریان بود. یکی از مطالعات مهم در این زمینه، تحت عنوان «پژوهش توگنولی»، پنج ویژگی اصلی برای معنای خانه معرفی کرد: مرکزیت، تداوم، خلوت، تجلی خویشتن (هویت شخصی) و روابط اجتماعی. این پنج ویژگی، تمایز بین مفهوم مسکن و خانه را بیان می‌کنند (Tognoli, 1987). همچنین، دو مطالعه توسط ساگرت (Danesi, 2007) و دانکن (Duncan 1990) به تأکید بر این تمایز ادامه دادند. در دهه ۱۹۹۰ میلادی، نیوتن و پوتنام (Newton & Putnam, 1998) به این نتیجه رسیدند که پژوهش‌ها در زمینه معنای خانه، مفاهیمی چون خلوت، امنیت، خانواده، صمیمیت، آسایش و کنترل را با تفسیرهای مختلف به‌تکرار می‌آورند.

نگاه معنایی به خانه به‌عنوان یک مکان، سطح عمیق‌تری از معناپذیری را به تصویر می‌کشد، جایی که معماری نقشی تعیین‌کننده در بهره‌مندی و تداوم حضور انسان در فضای شکل گرفته دارد. در میان نگرش‌های مختلف بررسی معنای خانه، چهار نگرش اصلی وجود دارد که شامل دیدگاه سنتی-حکمی، دیدگاه پدیدارشناسی، دیدگاه جامعه‌شناسی-انسان‌شناسی و دیدگاه گونه‌شناسی و اقلیمی می‌شوند. در میان این رویکردها، این پژوهش به نگاه علوم اجتماعی متمرکز و یکی از روش‌های به‌کارگیری شده

معماری، تفاوت بین عناصر دارای بار معنایی مستقیم و غیرمستقیم را بررسی کرده است. او این تقسیم را به دو دسته معنای صریح و معنای ضمنی تقسیم‌بندی و این دو جنبه مختلف از برقراری ارتباط میان اثر معماری و تجربه‌کننده را معرفی می‌کند. در نظر امبر تو آکو، معنای صریح در معماری می‌تواند به تجربه بصری اثر در لحظه اولیه مواجهه نسبت داده شود. این تجربه اولیه ممکن است به‌عنوان یک تظاهر بصری در نخستین لحظات روبه‌روی اثر، بدون تأثیر حواس باطنی به نظر رسد. این تفاوت معنایی بین اثر و تجربه اولیه را امبر تو آکو در موضوع عملکرد در معماری برجسته می‌کند. آکو به این دو نوع تعبیر، یعنی عملکرد اولیه و ثانویه، اهمیت می‌دهد. عملکرد اولیه را به‌عنوان معنای صریح و عملکرد ثانویه را به‌عنوان معنای ضمنی در معماری معرفی می‌کند. این تفکر نشان‌دهنده اولویت کارکرد اولیه نسبت به ثانویه نیست، بلکه به معنای تحقق عملکرد یا کارکرد ثانویه پس از معنای اولیه اشاره دارد (Eco, 1979, 25).

ویتگنشتاین^{۱۴} در مرحله اولیه زیست فلسفی خود، تأکید بر «نظریه تصویری معنا» (زبان یا کلام ابزاری برای ارائه تصویری از واقعیت امور) تکیه داشت؛ اما بعدها دیدگاه کاربردی یا ابزاری معنا را (معنای یک واژه معادل کاربرد آن) مطرح کرد (Hall, 1997). مفهوم معنا در فرهنگ غربی و اسلامی به دلایل مختلفی بررسی شده است. در حوزه زبان‌شناسی و فلسفه غربی، به مفهوم معنا به‌عنوان یک مفهوم زبانی و ادراکی توجه شده است. از سوی دیگر، اندیشمندان مسلمان به‌طور ضمنی و برای تحلیل گزاره‌های دینی و فلسفی، نظریه‌های خود را ارائه و در باب «حقیقت معنا» بحث کرده‌اند. آیت‌الله خوئی معنا را مفهومی می‌داند که قابل حضور در ذهن است. او بیان می‌کند که جایگاه و ظرف معنا جزء ذهن نیست، اما معنا هم بر خارج و هم بر ذهن تطبیق‌پذیر است. این دیدگاه نشان می‌دهد که معنا به‌عنوان یک مفهوم درونی و خارجی، قابلیت تطبیق و تأثیرگذاری را دارد (ibid.). معنای یک اثر محتوای درون آن نیست، بلکه صرفاً از تفسیر آن حاصل می‌شود (Lotman, 2021)؛ به بیان دیگر، مخاطب هنگام مواجهه با اثر، معنایی از پیش موجود را کشف نمی‌کند بلکه معنایی جدید را براساس محسوسات و خواسته خود می‌آفریند (Ahmadi, 2007). در واقع در یک اثر معین، معنا دست‌نیافتنی و بی‌انتهاست، زیرا زبان اساساً بر غیاب معنا استوار است و دل‌های موجود در یک متن معماری، به هیچ مدلول خاصی ارجاع نمی‌دهند (ضیمران، ۱۳۸۳، ۷۳). معناشناسی به‌عنوان یک حوزه دانشی، به بررسی و تحلیل ساختارهای بنیادین فرایند معناسازی می‌پردازد. این حوزه با معنای عقلی لغات سروکار دارد و به کاوش مفهوم محتوایی نشانه‌ها می‌پردازد (Sholeh, 2009). در زمینه معناشناسی، بررسی سطوح گوناگون معنا اهمیت دارد که به سه دسته اصلی (معنای اصلی یا صریح، معنای ضمنی یا التزامی و معنای ایدئولوژیک) تقسیم می‌شوند. معنای اصلی (صریح) به کارکرد اصلی و معنای مستقیم یک واژه یا نشانه در متن اشاره دارند. معنای ضمنی سرشتی بینابینی دارد و معنای ایدئولوژیک، که جنبه‌های سمبولیک دارد، بیشتر بر ابعاد اجتماعی، فرهنگی و تاریخی تکیه می‌کند.

اجتماعی به عنوان نوعی از تعلق، به دلیل استفاده کنندگان و ارتباطات آن‌ها تعبیر می‌شود (Javan Forouzande & Motalebi, 2011). نگاه معنایی به خانه نشان می‌دهد که این مفهوم به عنوان یک مکان برجسته در زندگی انسان دارای ابعاد گوناگون و چندمعنایی است. تأثیرات عوامل اجتماعی، محیط کالبدی و تجربیات شخصی در شکل دهی به مفهوم خانه و احساس تعلق به آن لحاظ می‌شود و توسعه مفاهیم متنوعی از خانه را نمایان می‌سازد.

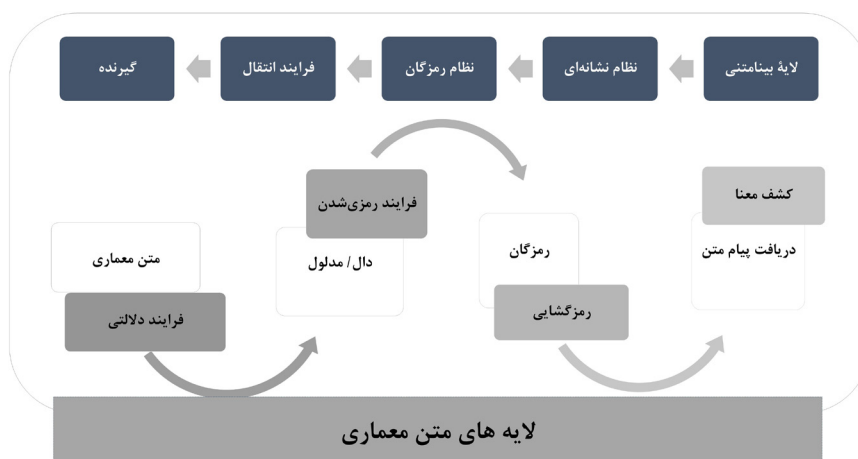
• نشانه و سیر تحول نشانه‌شناسی

نشانه، یک نام تصویری است که به صورت کوتاه و ساده، موضوع را نمایان می‌سازد (Pourjafar & Montazerolhojjah, 2010, 18). همواره نشانه معنا را ایجاد می‌کند، به این صورت که معنا درون نشانه ظاهر می‌شود (Sholeh, 2009) (تصویر ۱). در زمینه هویت، نشانه می‌تواند پدیده یا واقعه‌ای قابل مشاهده باشد و به دلیل ارتباطی که با پدیده غایب دارد، جایگزین آن شود و به آن اشاره کند. نکته مهم این است که نشانه باید قابل درک و دریافت توسط حواس انسان باشد و الزاماً به جهت امکان درک و دریافت آن توسط حواس انسان، دارای شکل مادی است. نشانه‌شناسی دانشی است که آثار و نشانه‌ها را به عنوان بخشی از زندگی اجتماعی بررسی می‌کند و به مطالعه منظم و سامان یافته عوامل مؤثر در ظهور و تأویل نشانه‌ها اختصاص دارد (ضیمران، ۱۳۸۳). آنچه لازم به ذکر است این که نشانه‌ها به تنهایی معنادار نیستند و فقط وقتی که در ارتباط با یکدیگرند، تفسیرپذیر هستند.

دو نگرش ساختارگرایی و پساساختارگرایی در نشانه‌شناسی حاکم‌اند. نشانه‌شناسان ساختارگرا (سوسور، یاکوبسن و جان لاک) با نگرشی زبان‌شناسانه رابطه متن و معنایش را مستقیم می‌داند و به کشف رمزگان متن می‌پردازند. نشانه‌شناسان پساساختارگرا (پیرس، اکو، بارت و دریدا) رابطه بین متن و معنا را غیرمستقیم می‌داند و به جنبه‌های متکثر، لایه‌های درونی متن و روابط بینامتنی می‌پردازند (Tajik, 2010, 35). در جدول ۲، تعریف نظریه پردازان از نشانه‌شناسی و حوزه مورد تأثیر هر یک از آن‌ها به طور خلاصه آمده است. این تعاریف تفاوت‌ها و گستردگی در زمینه‌های معنایی

برای بررسی معنا، روش نشانه‌شناسی است. در دیدگاه اجتماعی، معنای خانه با تأکید بر تئوری نیازهای انسانی و حس تعلق مرتبط با نیازهای اجتماعی تشریح شده است. ساختار الگوی معنای مکان از نگاه رویکرد اجتماعی نشان دهنده مفهومی است که در آن انسان به دنبال یافتن جایی پایدار در جهت ارتباط با محیط و برقراری ارتباط صمیمانه با آن است. در حالی که بسیاری از تجربه‌گرایان عمدتاً به بررسی عوامل اجتماعی متمرکز بوده‌اند، برخی از محققان بر نقش محیط کالبدی در شکل‌گیری حس تعلق تأکید کرده‌اند. هارولد پروشانسکی هویت فردی را ناشی از هویت مکانی می‌داند و این هویت از ادراک شناخت و در نهایت احساسات نسبت به مکان نشأت می‌گیرد. او با تأکید بر هویت مکان به عنوان بستر و عامل ارتباطی مهم در ارتباط انسان، بر نقش عوامل کالبدی به عنوان بخشی از عناصر اجتماعی در محیط تأکید می‌کند. بر این اساس، عنصر مهم تعامل و ارتباط تنگاتنگ فرد با محیط به عناصر کالبدی محیط ارجاع داده می‌شود و این بخش از هویت ذهنی و فردی را تشکیل می‌دهد (Canter, 1977). نظریه مکان کانتر نیز به مدلی می‌پردازد که رابطه بین مؤلفه‌های شکل دهنده هر مکان را توضیح می‌دهد. او برای هر مکان سه مؤلفه تبیین می‌کند که ویژگی‌های کالبدی، فعالیت‌ها و تصورات را شامل می‌شود. با اقتباس از نظریه کانتر، کیفیت محیط به عنوان برآیند این سه مؤلفه تعریف می‌شود، به طوری که هر کدام از این مؤلفه‌ها مسئول برآورده ساختن یکی از کیفیت‌های محیطی است. انسان نیاز به تجربه حسی، عاطفی و معنوی خاص نسبت به محیط زندگی دارد. این تجربیات از طریق تعامل صمیمی و نوعی هم‌ذات‌پنداری با مکانی که در آن ساکن است، قابل تحقق است (Falahat, 2006). پژوهش‌ها نیز نشان داده‌اند که مطالعه و بررسی ساختمان‌ها و منازل مسکونی به وجود تمایلاتی در رنگ تعلق و تمایز محیطی در ساختمان‌ها اشاره دارد و این ایده را به خوانایی محیطی تعبیر می‌کنند.

پژوهش‌های دیگر نیز نشان داده‌اند که تعلق به مکان ناشی از تعاملات و ارتباطات فرهنگی-اجتماعی در آن مکان است، به ویژه در فضاهای طراحی شده با ویژگی‌های تمایز و جداسازی. هویت



تصویر ۱. فرایند دریافت و شکل‌گیری معنا، مأخذ: نگارندگان.

جدول ۲. دیدگاه نظریه پردازان در باب نشانه‌شناسی. مأخذ: نگارندگان.

مکتب	تعریف و مبانی نشانه‌شناسی	نظریه پرداز
ساختارگرا	نشانه‌شناسی دانشی است که به بررسی و کنکاش نظام‌های نشانه‌ای چون زبان‌ها، رمزگان‌ها و نظام‌های علامتی و غیره می‌پردازد (Mirgholami et al., 2013). نشانه‌های زبانی از ارتباط دال (علامت) و مدلول (معنا) حاصل می‌شوند. دال تصویری است که از صداها در ذهن به وجود می‌آید و مدلول تصویری است که از مصداق‌های خارجی در ذهن شکل می‌گیرد (Lotman, 2021).	فردینان دو سوسور
ساختارگرا	نشانه‌ها در اشکال مختلفی نظیر کلمات، تصاویر، اصوات، اطوار و اشیا ظاهر می‌شوند و بررسی آن‌ها به‌عنوان بخشی از نظام‌های نشانه‌ای یا رسانه‌ها است.	چندلر (Chandler, 2007)
پساساختارگرا	نشانه‌شناسی، بررسی نشانه‌ها و علائمی است که برای انتقال دانسته‌ها به دیگران استفاده می‌شود. این علم در فرایند ارتباط، از اجزایی مانند منبع، فرستنده، کانال، پیام و گیرنده برای تفسیر و انتقال اطلاعات استفاده می‌کند (Eco, 2018).	امبرتو اکو
ساختارگرا	نشانه ارزش خود را از رابطه افتراقی در داخل یک نظام نشانه‌ای و اجتماعی به دست می‌آورد اما این نظام از نوع امکانات بوده و از ماهیت متنی محروم است (Lotman, 2021).	فرزان سجودی
پساساختارگرا	پیرس هر نشانه را دارای سه وجه می‌داند: بازنموده، تفسیر و موضوع. تعامل میان این سه وجه، فرایند نشانه‌شناختی را شکل می‌دهد. هر نشانه از طریق تفسیر به بازنموده‌ای جدید تبدیل می‌شود و این روند به‌طور مداوم تکرار می‌شود و می‌تواند تا بی‌نهایت ادامه یابد (Mokhtabad-Amrei & Dabagh, 2011).	چارلز ساندرز پیرس
ساختارگرا	نشانه‌ها در ارتباطات اجتماعی معنا پیدا می‌کنند و برای درک آن‌ها نیاز به سیاق ارتباطی است. تولید معنا در گفت‌وگوها و متون اجتماعی با تعامل با دیگران انجام می‌شود و واحد تحلیل نشانه‌ها در چارچوب یک سیستم نشانه‌ای در فرهنگ شکل می‌گیرد (Jakobson, 1997).	یاکوبسن
ساختارگرا	نشانه؛ به‌عنوان مجموعه‌ای از عنصر صوتی (صدا) و عنصر مفهومی (معنا) تعریف می‌شود و رابطه بین این دو عنصر را به‌عنوان یک ساختار ثابت و تصادفی نمی‌داند. مطابق دیدگاه وی، مطالعه نشانه‌ها باید روی روابط ساختاری آن‌ها متمرکز شود (رسولی و نعمت‌اللهی، ۱۴۰۰).	لوئی ترول یلمزولف
پساساختارگرا	فوکو نشانه‌ها را در سطح دیسکورس بررسی کرده و به آن‌ها عملکردی در تشکیل قدرت و دانش نسبت داده است. او با تأکید بر حامل بودن نشانه‌ها از قدرت و ایدئولوژی، مفهوم «دیسکورس» را برای تحلیل روابط قدرت و دانش استفاده و دیدگاهی عملگرایانه و تاریخی نسبت به نقش نشانه‌ها در جوامع معاصر ارائه کرده است (میرزایی و همکاران، ۱۳۹۱).	میشل فوکو
ساختارگرا	در تعبیر نشانه‌ها، آن‌ها به یک ساختار و یک زبان زیرین مرتبط هستند و بررسی کنش‌های انسانی و اَبژه‌های عالم را به‌عنوان نشانه‌های درون یک نظام موضوعی می‌پندارد.	امیر علی نجومیان (۱۳۹۶)
پساساختارگرا	زبان‌شناسی بر تأثیر زمینه‌های تاریخی-اجتماعی بر معنای نشانه‌ها تأکید دارد و آن‌ها را در شبکه‌های دیسکورسی بررسی می‌شود. او معتقد است که معنا از این شبکه‌ها و زمینه‌های آنها بر می‌آید.	ناصر فکوهی (۱۳۸۳)
ساختارگرا	نشانه را لاک به دو بخش «نماد» (بخش مفهومی) و «اثر» (بخش صوری) تقسیم می‌کند و با تأکید بر علی‌السبب بودن رابطه بین این دو بخش، معتقد به ساختارگرایی نشانه است. او نشانه را به‌عنوان واحد تحلیل در زبان تعریف می‌کند و بر اهمیت بررسی ساختار درونی آن، با لحاظ کردن به مفهوم نماد و اثر در تحلیل زبان، تأکید دارد.	جان لاک (Locke, 2020)
ساختارگرا	بنیان‌گذار زبان‌شناسی ساختارگرا، زبان را به‌عنوان سامانه نشانه‌شناختی می‌شناسد. او بر نشانه و معنا تأکید دارد، آن‌ها را از زیرواحدهای صوتی و معنایی تشکیل شده می‌داند و به تحلیل ساختارهای گرامری و معنایی زبان با تأکید بر قواعد سلسله‌مراتبی می‌پردازد.	هانس گئورک گادامر (Gadamer, 2016)
پساساختارگرا	نشانه‌شناسی بررسی دلالت و استلزامات فرهنگی نشانه‌هاست که خود می‌تواند به دلالت‌کننده تازه‌ای برای نشانه‌های دیگر تبدیل شوند (ضیمران، ۱۳۸۳).	رولان بارت
پساساختارگرا	نشانه‌ها براساس کاربرد و تفسیر آن‌ها در متون مطالعه می‌شوند. این رویکرد تأکید دارد که هیچ تفسیر نهایی و ثابتی وجود ندارد و مفهوم تفسیرپذیری اهمیت دارد. او به سلسله‌مراتب صدا و حروف توجه دارد و تضادها و تناقضات درون متون را به‌عنوان موارد کلیدی نشانه‌شناسی معرفی می‌کند (Derrida, 2016).	ژاک دریدا
ساختارگرا	تعبیر نشانه توسط مغز و ذهن با توجه به شباهت، علت یا قرارداد، نشانه را به یک شمایل، نمایه یا نماد تبدیل می‌کند.	کوروش صفوی (Safavi, 2018)
پساساختارگرا	با رویکرد انتقادی، نشانه‌ها در زمینه نظام‌های ارتباطی و قدرت بررسی می‌شود. او معتقد است که تحلیل نشانه‌ها باید به همراه توجه به مفاهیم قدرت انجام شود و هدف از این تحلیل، آشکار کردن نابرابری‌ها و تبعیض‌ها در جامعه است (Ahmadi, 2007).	یورگن هابرماس
پساساختارگرا	بخشی از زندگی اجتماعی، نوعی دانش، درک و دریافت پدیده‌های جهان است.	محمد ضیمران (۱۳۸۳)

تمام عوامل مؤثر در ظهور و تفسیر نشانه‌ها می‌پردازد. این رویکرد به تحلیل نحوه تأثیر گذاری نشانه‌ها در ساختارهای اجتماعی و فرهنگی می‌پردازد و بر آن است که چگونه ارتباطات و تفسیرها در ذهن افراد شکل می‌گیرند (ضمیران، ۱۳۸۳). در دهه ۱۹۶۲، آرای پیرس در زمینه نشانه‌شناسی مؤثر شد و تأثیرات زیادی بر نشانه‌شناسی معاصر گذاشت. این دوره با دو پرسش مهم در نشانه‌شناسی شروع شد: تشکیل عناصر نظام نشانه‌ها و حوزه این علم. این پرسش‌ها منجر به دورویکرد متفاوت، «نشانه‌شناسی ارتباط» و «نشانه‌شناسی

و کاربردی نشانه‌شناسی را نشان می‌دهند و نمایانگر تفاوت در دیدگاه‌ها و رویکردهای مختلف (ساختارگرا و پساساختارگرا) این حوزه است. در جدول ۳، نگارندگان به گردآوری و طبقه‌بندی دیدگاه‌های نظری و آثار مکتوب این صاحب‌نظران پرداختند.

• نشانه‌شناسی لایه‌ای در معماری

نشانه‌شناسی به‌عنوان یک حوزه دانشی، تمرکز خود را روی مطالعه نشانه‌ها و آثار آن‌ها در زندگی اجتماعی دارد. این رویکرد به بررسی تأثیر نشانه‌ها در ارتباطات انسانی و مطالعه سیستماتیک و سازمان‌یافته

جدول ۳. دیدگاه نظریه‌پردازان در باب نشانه‌شناسی با رجوع به آثار مکتوب. مأخذ: نگارندگان.

عنوان کتاب	نویسنده	مبانی نشانه‌شناسی
Ferdinand de Saussure	جاناتان کالر	زبان باید به‌عنوان ساختاری دیاکرونیکی و نسبی مورد بررسی قرار گیرد، نه به‌صورت یک واقعیت مطلق. سوسور با تأکید بر ماهیت ساختاری و نسبی زبان، پایه‌های رویکرد ساختارگرایانه به زبان‌شناسی و نشانه‌شناسی را بنیان نهاد (Culler, 2002b).
Semiotica E Filosofia Del Linguaggio Umberto	امبرتو اکو	گونه‌شناسی به ما این امکان را می‌دهد که به وضوح بگوییم که علایمی که به‌طور مشترک به‌عنوان نشانه تعریف می‌شود، حاصل شیوه‌های متنوع تولید است (Eco, 1979).
مبانی نشانه‌شناسی	دانیل چندلر (Chandler, 2007)	نشانه‌شناسی به‌عنوان یک رشته میان‌رشته‌ای می‌تواند به‌عنوان یک ابزار قدرتمند در تحلیل پدیده‌های مرتبط با ارتباطات، فرهنگ و رسانه استفاده شود
نشانه‌شناسی	امبرتو اکو	گونه‌شناسی به ما اجازه می‌دهد علایمی که معمولاً به‌عنوان نشانه تلقی می‌شوند، از روش‌های گوناگونی به وجود می‌آیند (ایزدی، ۱۳۸۷).
نشانه‌شناسی قدم اول	پل کابلی	راه‌حل‌های نشانه‌ای نشان می‌دهد که افراد زیادی وجود دارند که زندگی خود را می‌سازند، اما اغفال شده‌اند که در فعالیت‌های نشانه‌پردازی اشاره دارند و گاهی نیز به‌صورت ناخودآگاه در زمینه نشانه‌شناسی فعالیت می‌کنند (Cobley & Jansz, 2010).
نشانه‌شناسی کاربردی	فرزان سجودی (۱۳۸۸ج)	در این کتاب، تجدیدنظر در مفاهیم و مطالب اساسی نشانه‌شناسی ساختارگرا به‌ویژه به تحلیل متن، یافتن رمزگان و نقش رسانه پرداخته شده است. این مطالب به شکلی جدید و با رویکردی به‌روز بررسی شده‌اند.
در جستجوی نشانه‌ها (نشانه‌شناسی، ادبیات، و اساز)	فرزان سجودی	سوسور نوشته است که هر نشانه دو ویژگی دارد. ویژگی محسوس که نمایانگر نشانه است و ویژگی پنهان که به معنای آن اشاره دارد. در واقع، هر نشانه دارای جنبه قابل‌رؤیت و پنهان است که به ترتیب به نام‌های «سویه محسوس» و «سویه پنهان» شناخته می‌شوند (Culler, 2002a).
نشانه‌شناسی نظریه و عمل	فرزان سجودی (۱۳۸۸ب)	هویت مدلول همیشه در حرکت و تغییر است. این تغییرات به‌وسیله مفاهیم تمایز و تعویق توضیح داده شده‌اند. در این حالت، «تمایز» به تجربه تفاوت‌ها اشاره دارد و «تعویق» نشان‌دهنده پایداری و پیوستگی در حرکت است. این حرکت همواره هویت مدلول را بازنمایی می‌کند که این بازنمودن نشان‌دهنده پویایی و پیوستگی در حرکت مدلول است.
منطق به‌مثابه نشانه‌شناسی	چارلز ساندرز پیرس	نشانه به‌عنوان وسیله‌ای برای بازنمایی افکار، ایده‌ها یا موضوعات مختلف عمل می‌کند. قابلیت بازنمایی نشانه امکان تفکر و بحث درباره مفاهیم مختلف را فراهم می‌آورد، زیرا نشانه توانمندی انتقال معانی و مفاهیم را دارد (سجودی، ۱۳۸۸).
نشانه‌شناسی زبان و هنر	محمد رضا احمدخانی (۱۳۹۳)	نشانه‌ها به دو گروه تقسیم می‌شوند: قراردادی و غیر قراردادی. در نشانه‌های قراردادی، شکل ظاهری نشانه از معنای درونی جداست که ناشی از قراردادهای دلالت‌های اجتماعی است. در نشانه‌های غیرقراردادی، شکل و محتوا باهم تطابق دارند و ارتباط مستقیمی دارند.
نشانه - معناشناسی دیداری	حمیدرضا شعیری (۱۳۹۷)	نظریات نشانه‌شناسی به‌عنوان ابزارهایی تحلیلی، در تحلیل مسائل گوناگون کاربرد دارند. این رویکرد، نوعی وحدت در نظریات زبانی و ادبی را آشکار می‌سازد و بر نقش نشانه‌ها و نمادها در انتقال معانی و ساختارهای فرهنگی تأکید دارد. استفاده از این ابزار تحلیلی، امکان درک دقیق‌تری از معانی و ساختارهای فرهنگی موجود در متون را فراهم می‌آورد.
نشانه‌شناسی در معماری	عرفان محمدی و پیام ریاحی (۱۳۹۷)	در معماری، مفهوم «نشانه» به‌عنوان یک ابزار تحلیلی مطرح است. به‌عبارت‌دیگر، هنگامی که معماری به‌منزله‌ی متن در نظر گرفته شود، نشانه حاصل هماهنگی میان لایه‌های مختلفی است که هر کدام بر اساس جایگاه رمزگان و دیگر سطوح دلالتی در کنار یکدیگر قرار گرفته و ساختار نهایی متن معماری را پدید می‌آورند.

ارائه می‌دهد. در نتیجه، خوانش نشانه‌شناسانه متن همانند کشف زبان متن است، که باعث ایجاد چندگانگی معنایی از زاویه دید مخاطب و شرایط اجتماعی و زمانی وی می‌شود.

• رمزگان‌ها

رمزگان‌ها شامل مجموعه‌ای از مدلول‌ها هستند که از قوانین حاکم بر ارتباط آن‌ها برای تبیین ماهیت فرایندهای نشانه‌ای شامل فرهنگی و غیر فرهنگی (طبیعی) بهره می‌گیرند (Semenenko, 2017, 31). از دیدگاه گیرو (Guiraud, 2013)، رمزگان منطقی از تجربه عینی و منطقی استخراج می‌شود و شامل شناخت علمی و معرفت سنتی است. رمزگان‌های کنشی مبتنی بر نظام‌های علامت‌دهی، برنامه‌های آموزشی و شغلی هستند و رمزگان‌های پیرایه‌ای از مفاهیمی چون بازگو، جایگزین و کمک‌کننده تشکیل می‌شوند. به گفته امبرتو اکو، رمزگان نحوی بر مبنای ارتباط فضاها و عناصر معماری است که بر اساس منطقی خاص در هم‌نشینی و مجاورت یکدیگر قرار می‌گیرند و به ایجاد دلالت معنایی منجر می‌شوند (Lotman, 1978). رمزگان معنایی در حوزه نشانه‌شناختی خانه به کشف و فهم معانی ضمنی مبتنی بر عناصر و عوامل معنا ساز و مستتر در متن‌ها می‌پردازد. از نقشی که نور در خلق فرایندهای معنایی دارد، گرفته تا تکرار متن‌ها در ریتمی آرام و هماهنگ برای رسیدن به معنای عمیق، این رمزگان به‌طور سلسله‌وار در متن‌ها قرار می‌گیرند و با هم‌نشینی رمزگان معنایی، زیبایی‌شناسی، فنی و نحوی، به تحلیل متن می‌پردازند. این نگاه، مبتنی بر عناصری مانند حوض آب، درختان و نقش نور در حیاط است که با تکرار متنی پیوسته و پی‌درپی در متن‌های دیگر دیده می‌شود (Lotman, 1977). ادراک رمزگان زیبایی‌شناختی بر اساس مؤلفه‌هایی همچون تناسبات و شیوه‌قابندی اجزای سردر، فرم هندسی هشتی، بازی رنگ و نور در عنصر نورگیر، فرم زیبای گوشوار در طرفین تالار و همچنین تناسبات، تضاد، تعادل، رنگ جداره‌ها، فرم بادگیر و قاب‌بندی‌های پروخالی پیرامون درها به‌صورت سلسله‌وار مبتنی بر تقارن، نظم، تناسبات، تزئینات و رنگ جداره‌ها است. این مؤلفه‌ها دلالت بر وجود رمزگان زیبایی‌شناختی محسوس و ذهنی در بیان متن‌ها دارند و به ارتباط رمزگان زیبایی و فنی اشاره می‌کنند (Lotman, 2021).

روش پژوهش

در این مقاله، از روش مطالعه تطبیقی و تحلیل محتوا با استفاده از رویکرد نشانه‌شناسی و معناشناسی، از نوع پژوهش کیفی استفاده شده است که بر مبنای سامانه شناخت‌شناسی تفسیری و تاریخی انجام شده است. تحقیق کیفی روشی برای تمرکز بر پدیده‌هایی است که در محیط طبیعی در حال وقوع و در تلاش است که پدیده‌ها را بر طبق معانی‌ای که اشخاص به آن‌ها می‌دهند، برای خود توصیف، تبیین و تفسیر کند. در پژوهش کیفی شناخت از پوسته به لایه‌های عمق در حرکت است و پس از خوانش و درک پدیده، واقعیات شکافته خواهد شد. براین‌اساس، پژوهش

دلالت» شدند. در «نشانه‌شناسی ارتباط» تأکید بر روابط انسانی بود، در حالی که «نشانه‌شناسی دلالت» قلمرو نشانه‌شناسی را به همه پدیده‌های دلالتی گسترش داد. رولان بارت با مفاهیم «دلالت تصریحی» و «دلالت ضمنی» به نظریه دلالت افزود. دلالت تصریحی به ارتباط مستقیم دال و مدلول اشاره دارد، در حالی که دلالت ضمنی نشانه‌ها را به شکل پیچیده‌تری ساخته و یک نشانه ممکن است دال و مدلول داخلی دیگری را داشته باشد که به‌عنوان دال برای مدلولی دیگر عمل کند. این نوع نشانه‌شناسی با تأثیر پیرس و بارت زیاد شده است (Flamaki & Ghafari, 2017, 341). سوسور بنیان‌گذار نشانه‌شناسی، نشانه را به‌عنوان یک مفهوم «کالبدی» معرفی می‌کند که از ترکیب دو وجه به وجود می‌آید و هر نشانه ارتباط دو جنبه درونی دال و مدلول را دارد (Chandler, 2007, 32). در دیدگاه سوسور، اهمیت اجتماعی و فرهنگی در نظام نشانه‌ها بسیار مهم است و نشانه‌ها از ارتباطات اجتماعی مشتق می‌شوند. او با تحلیل ساختار نشانه‌ها و تأثیرات اجتماعی بر آن‌ها، به نتیجه می‌رسد که معنا از تداخل و ارتباط نشانه‌ها برمی‌آید و هر نشانه به‌تنهایی معنا پذیر نیست (Saussure, 1983, 118). در دیدگاه پیرس، هر نشانه شامل سه جنبه مهم است: «بازنموده»، «تفسیر» و «موضوع». او این تعامل بین این سه جنبه را به‌عنوان «فرایند نشانگی» توصیف می‌کند. در این رویکرد، هر متن از هم‌نشینی چندین نشانه شکل می‌گیرد و هر نشانه از طریق «تفسیر» به‌عنوان یکی از رؤسای مثلث نشانگی، می‌تواند به یک باز نمونه دیگر تبدیل شود. به‌عبارت‌دیگر، فرایند تفسیر و معنا سازی، از طریق مثلث نشانگی، مبنای نظری نشانه‌شناسی پس‌اساختارگرا می‌شود. این اصل پیرس بعدها توسط دیگر نظریه‌پردازان مانند اکو با نشانگی نامحدود، رولان بارت با مفهوم بینامتنیت و ژاک دریدا با نظریه بی‌کرانگی دال و بازی نشانه‌ها، ابعاد جدیدی به مطالعات نشانه‌شناسی افزودند. در نشانه‌شناسی لایه‌ای، مفهوم نشانه از مفهوم متن بر می‌آید. به‌عبارت‌دیگر، متن به‌عنوان حاصل هم‌نشینی بین رمزگان تعبیه نمی‌شود؛ بلکه این حاصل در کنش و ارتباط با یکدیگر، امکان به‌وجود آمدن واقعی شدن پیدا می‌کند. این رویکرد به تحلیل متون از منظر لایه‌ای و در نتیجه تأثیر هر لایه بر تفسیر نهایی متن می‌پردازد (سجودی، ۱۳۸۸ ج). هر متن یا اثر معماری به‌عنوان یک مجموعه پیچیده از نشانه‌ها و ارتباطات عمل می‌کند. این نشانه‌ها به‌تنهایی معنای مشخصی ندارند، بلکه در تعامل با یکدیگر و در چارچوب کلی اثر، بخشی از مفهوم کلی را منتقل می‌کنند. معماری نیز از این نشانه‌ها تشکیل شده است و هر یک از آن‌ها نقش خاصی را در ساختار کلی اثر ایفا می‌کند. این ساختار به مراحل مختلف شامل شناخت رموز عناصر متن، درک روابط بین این عناصر و تفسیر و معنا سازی متن منجر می‌شود. در خوانش نشانه‌شناسانه، با ایجاد هاله‌ای از دیدگاه‌های جامعه‌شناسانه، زندگی درون متن یک طرح معماری مهم می‌شود. مهم نیست که مؤلف چه نگرشی دارد، زیرا هر متن گستره‌ای از معانی را به مخاطب

یافته‌ها

به نشانه به‌عنوان یک عنصر اساسی در زمینه معماری توجه شده است و به‌عنوان عنصری که دلالت‌های معنایی را به‌نمایش می‌گذارد، ارتباط نزدیکی با علم نشانه‌شناسی دارد. بررسی مفهوم معناشناسی و نشانه‌شناسی کمک می‌کند تا رابطه میان معماری و نشانه‌شناسی بهتر درک شود. بر این اساس، با استفاده از رویکرد نشانه‌شناسی در معماری و بر پایه **تصویر ۱** و مبانی نظری بررسی شده، مسیر شناخت متن معماری از طریق مطالعه اسناد و پژوهش‌های پیشین در منابع مختلف به‌دقت دنبال شده است. سپس این مطالب جمع‌بندی و تحلیل شده‌اند و یک مدل ارزیابی برای خوانش متن معماری از منظر نشانه‌شناسی به دست آمده است که معانی را به دو دسته اصلی، معانی صریح یا اصلی، معانی ضمنی یا التزامی تقسیم می‌کند. در این فرایند، نمونه‌های انتخابی از خانه‌های سنتی یزد به‌عنوان نمونه‌های قابل بررسی در تحلیل نشانه‌شناسانه مدنظر قرار گرفته‌اند. از این دیدگاه به‌طور دقیق‌تر ارزیابی شده‌اند. مدل تحلیل نشانه‌های هویت معماری در بناهای سنتی ایران از طریق تحلیل محتوای داده‌ها و کدگذاری آن‌ها به دست آمده است و به درک معانی و

کیفی دید روشنی از موضوع مورد مطالعه به پژوهشگر خواهد داد (**حیدری، ۱۳۹۵، ۸۸**). تحلیل محتوای کیفی را می‌توان روشی برای تأویل و تشریح ذهنی محتوایی داده‌های متنی، از طریق فرایندهای دسته‌بندی نظام‌مند، تم‌سازی و کدبندی یا طرح‌ریزی الگوهای شناخته شده دانست (**Tavakolnia et al., 2017**). این پژوهش با استفاده از روش نشانه‌شناسی به تحلیل شاخص‌ها و ابعاد مختلف لایه‌های معنایی خانه‌های ایرانی پرداخته و در مراحل تعبیر، تفسیر و ارزیابی از رویکرد تفسیری استفاده شده است. مراحل تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش استدلال منطقی بهره‌گرفته شده است. این پژوهش با توجه به موضوع و هدف خود، از روش نشانه‌شناسی بهره‌گرفته شده و شاخص‌ها و ابعاد مختلف لایه‌های معنایی خانه‌های ایرانی را از نظر دلالت و معنا بررسی می‌کند. روش نشانه‌شناسی در این پژوهش، به‌عنوان یک روش تحلیلی مورد استفاده قرار گرفته که با تمرکز بر زمینه و محوریت درک پیش‌فرض‌های ذهنی مخاطبان در مواجهه با اثرات آشکارسازی و تأمل در حوزه معنا، امکان‌پذیر می‌شود. این پژوهش نه‌تنها از مطالعات کتابخانه‌ای برای دستیابی به اصول نظری مورد نظر استفاده کرده است، بلکه با بررسی میدانی خانه‌های سنتی شهر یزد نیز داده‌های اصلی را به دست می‌آورد (**تصویر ۲**).

معرفی نمونه‌های موردی

در این پژوهش، با توجه به کیفیت حیات‌بخش خانه‌های سنتی یزد و پاسخگویی آن به نیازهای روان‌شناختی، خانه‌های بافت قدیم شهر یزد مطالعه شده‌اند. این خانه‌ها واقع در خیابان امام خمینی (ره)، کوچه سهل‌ابن‌علی یزد، به‌عنوان محدوده عمده بررسی شده‌اند. خانه‌های انتخاب شده در حال حاضر جزء دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه یزد هستند و از نظر موقعیت استقرار تقریباً در یک محدوده مکانی قرار دارند (**تصویر ۳**). این خانه‌ها شامل خانه‌های رسولیان، لاری‌ها، مرتاض، مهدی رسولیان، شفیق‌پور و نیک‌بین هستند که نمونه‌هایی برجسته از معماری درون‌گرای قاجاری محسوب می‌شوند. دلیل انتخاب این بناها، علاوه بر هم‌جواری و تعلق به دانشکده معماری دانشگاه یزد، به کیفیت حیات‌بخش و تطبیق‌پذیری فضایی آن‌ها با نیازهای اقلیمی و روان‌شناختی باز می‌گردد. این خانه‌ها با به‌کارگیری عناصر نمادین همچون حیاط و بادگیرها، مفاهیم فرهنگی و اجتماعی خاصی را به فضاهای مسکونی انتقال می‌دهند و تعادلی میان نیازهای جسمانی و روانی ساکنان برقرار می‌کنند. از منظر نشانه‌شناسی، این خانه‌ها نمادهای هویت و فرهنگ محلی هستند و ساختار فضایی آن‌ها به ایجاد احساس آرامش، خلوت و ارتباط با طبیعت کمک می‌کند. در این بخش، نمونه‌های مورد مطالعه به‌طور خاص و دقیق بررسی و ارتباط این نمونه‌ها با فرهنگ و هویت محلی بیشتر توضیح داده شده است. این تحلیل‌های نشانه‌شناسانه به ارزیابی دقیق تر فضای خانه‌های سنتی یزد کمک می‌کند و تأثیر این خانه‌ها بر طراحی‌های معماری معاصر را به وضوح نشان می‌دهند.



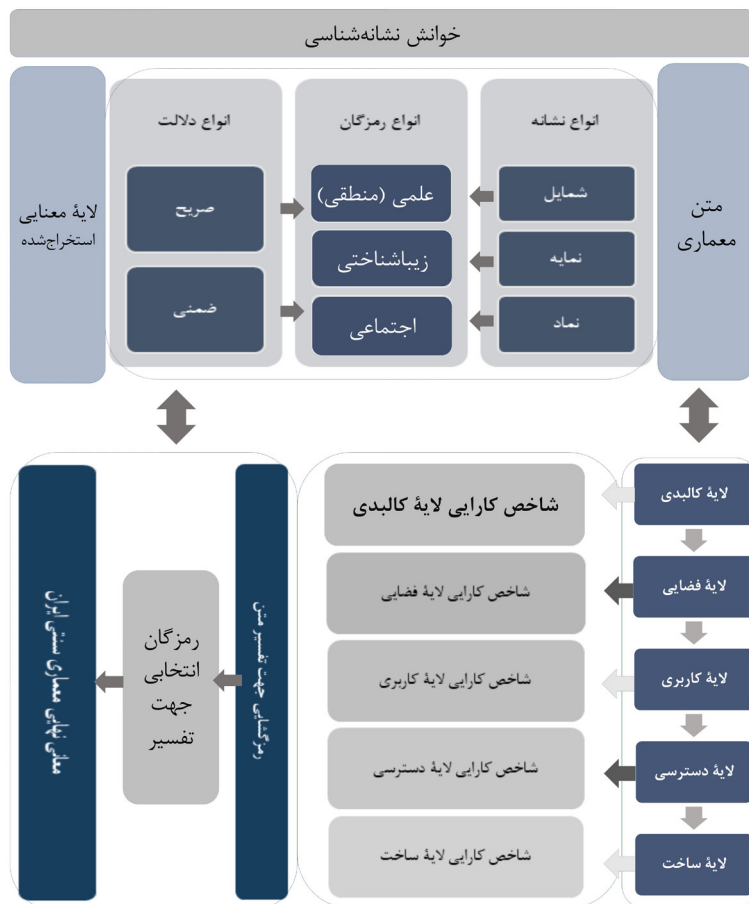
تصویر ۲. رویکرد پژوهش در این پژوهش براساس مدل ساندرز. مأخذ: Afshari Basir et al., 2022.

فضایی، کاربری، دسترسی و ساخت است. انتخاب این لایه‌ها به دلیل تأثیر و نقش کلیدی آن‌ها در تحلیل و تبیین معماری است. هر یک از این لایه‌ها به‌طور نظام‌مند در تحلیل نشانه‌شناسی معماری مؤثر بوده‌اند و به درک عمیق‌تر معانی و دلالت‌های موجود در بنا کمک می‌کند. شاخص‌های مربوط به این لایه‌ها، بر اساس واکاوی نمونه‌ها و فرایند معناکاوی (جدول ۴)، استخراج و در جدول ۵ معانی صریح و ضمنی آن‌ها ارائه شده است.

سطوح مختلف این محیط ساخته‌شده کمک می‌کند. با بررسی نمونه‌های مورد مطالعه و تحلیل جامعه آماری، فهم عمیقی از معانی نشانه‌ها حاصل شده است. در این راستا، این مدل به‌عنوان فرایند معناکاوی در متن معماری مطرح و در تصویر ۴ نمایش داده شده است. نتایج این پژوهش که براساس نمونه‌های انتخابی و بازدیدهای میدانی به دست آمده، شامل لایه‌های مختلف معماری مانند کالبدی،



تصویر ۳. نقشه موقعیت مورد مطالعه. بزد، ۱۳۳۵. مأخذ: نگارندگان.



تصویر ۴. رویکرد نشانه‌شناسی در این پژوهش براساس دیدگاه پیرس و فرایند معناکاوی متن معماری از منظر نشانه‌شناسی. مأخذ: نگارندگان.

جدول ۴. واکاوی نمونه‌ها بر اساس فرایند معناکاوی و استخراج شاخص‌های کارایی. مأخذ: نگارندگان.

تصاویر نمونه‌های انتخابی	شاخص‌ها	لایه‌های معماری
		<p>لایه کالبدی</p> <ul style="list-style-type: none"> - محصوریت و درون‌گرایی - ترکیب و تداخل احجام - وجود محور اصلی و فرعی در بنا - تطابق فضاها با اندازه و مقیاس انسانی - کشیدگی شمالی-جنوبی - وجود تقارن در جزء - طراحی پایدار و استفاده حداکثری از نور خورشید، باد، خاک، گیاه، آب
		
		<p>لایه فضایی</p> <ul style="list-style-type: none"> - تأمین فضای منطبق با نیاز ساکنین جهت سکونت - حیاط داخلی به‌عنوان یک فضای باز و سبز در دل خانه، مکملی برای فضاهای داخلی - پویایی و تغییرپذیری در فضاها به مرور زمان - ایجاد ارتباط و پیوند مناسب بین فضاهای بازوبسته به‌منظور افزایش هماهنگی و تعامل میان آن‌ها - متنوع بودن در استفاده از مصالح و رنگ‌ها و تغییرات در چیدمان فضایی - قابلیت درک و فهم سریع فضا - ایجاد فضاهای اشتراکی - تفکیک اندرونی و بیرونی (فضای مهمان و اهل خانه)
		
		

تصاویر نمونه‌های انتخابی	شاخص‌ها	لایه‌های معماری
	<ul style="list-style-type: none"> - سازماندهی سلسله‌مراتبی فضاها براساس نیازهای کاربران - تقسیم‌بندی فضاها به اصلی و فرعی براساس نوع استفاده و زمان‌بندی فصلی - هماهنگ‌سازی فعالیت‌های مسکونی در طبقه اول با ارائه خدمات و امکانات مشترک در طبقه همکف - بهینه‌سازی کاربری فضاهای اصلی برای افزایش بهره‌وری 	لایه کاربری
	<ul style="list-style-type: none"> - پیچیدگی حرکتی از حیاط به ایوان، سپس به دل فضای نیمه‌باز و در نهایت فضای بسته - سهولت در حرکت و دسترسی به فضاها - دسته‌بندی فضاها - گره حرکتی 	لایه دسترسی
	<ul style="list-style-type: none"> - دیوارهای ضخیم برای مقابله با تغییرات دما و نگهداری حرارت بهینه - استفاده از سقف‌های چندلایه از چوب و کاهگل با ضخامت بالا 	لایه ساخت
	<ul style="list-style-type: none"> - فضاهای باز مناسب برای مقابله با گرما و افزایش تهویه طبیعی - استفاده از طاق و قوس به منظور تقویت سازه سقف - استفاده از مصالح؛ چوب، سفال، آجر و کاهگل - بهره‌گیری از مصالح با ظرفیت حرارتی بالا 	لایه ساخت

۶. نمایی از جداره حیاط نیک‌بین

۷. نمایی از جداره حیاط مهدی رسولیان

۸. نمایی از تابش‌بند حیاط لاری‌ها

۹. نمایی از دالان خانه مرتاض

جدول ۵. فرایند معناکاوی با کدگذاری معانی صریح و ضمنی. مأخذ: نگارندگان.

دالات معنایی	رمزگان انتخابی جهت تفسیر متن	لايه‌های معماری
دالات ضمنی	دالات صریح	
پیوستگی کالبدی (انسجام و پیوستگی اجزا)	استفاده از اشکال هندسی منظم در نقشه و نما (به‌عنوان مثال، مستطیل و مربع)	کالبد- فرم
پیوستگی و استمرار در مسیر حرکت یا نگاه انسان	رعایت تناسبات طولی میان اجزای نما و نقشه	زیباشناختی
پیوند اهالی منطقه	نقش عنصر پیرنشین در پیش ورودی	اجتماعی- فرهنگی
جذابیت و سبزیگی در محیط	طراحی منطقه سبز در قلب مرکز حیاط	کالبد- فرم
تنوع و کیفیت بصری	ایجاد تنوع در فضا از طریق توازن، تقارن، ریتم و تکرار، هماهنگی با بافت‌ها و عناصر نما	زیباشناختی
محلی برای خلوت جویی	تعریف فضاها با عملکرد و کاربری خاص مانند: سه‌دری، پنج‌دری و هفت‌دری	اجتماعی- فرهنگی
انسجام فضایی و خوانایی	رعایت نسبت سطح به حجم	کالبد- فرم
پایداری و توسعه پایدار	انتخاب مصالح بومی و سازگار با ویژگی‌های اقلیمی	زیباشناختی
ارتقای سطح تعاملات اجتماعی	توجه به ساختار خانواده با در نظر گرفتن وظایف مختلف و طیف سنی اعضا	اجتماعی- فرهنگی
روشن و قابل فهم بودن	وضوح و سهولت حرکت در مسیرهای اصلی و فرعی اندرونی و بیرونی	کالبد- فرم
حس تعلق و دلبستگی به مکان	بهبود ارتباط با محیط با در نظر گرفتن جذابیت عناصر طبیعی، به‌ویژه در حیاط مرکزی (آب و فضای سبز)	زیباشناختی
ارزش‌گذاری و توجه به معنای هر فضا	هماهنگی و ارتباط میان فضاهای مجاور	اجتماعی- فرهنگی
طراحی پایدار و سازگار با محیط طبیعی	طراحی فضاهای آرامش‌بخش و استفاده از نور و صدا به منظور رفع استرس	کالبد- فرم
تنوع و کیفیت بصری	هماهنگی و توازن در نقشه با ایجاد تعادل در فضاهای پر و خالی	زیباشناختی
انطباق بنا با بستر خود	انطباق ساختار با شرایط اقلیمی، اجتماعی و فرهنگی	اجتماعی- فرهنگی

نتیجه‌گیری

براساس یافته‌های پژوهش، معماری ابنیه‌های سنتی در شهر یزد، با تأکید بر ورودی‌ها و حیاط مرکزی، اصولاً شامل متونی است که معنای زیادی را در بر می‌گیرد. این معانی، مبتنی بر کارکردهای متن و ویژگی‌های مفهومی و اجتماعی هر فضا، بر مبنای عوامل معناساز در متون موجود در خانه‌ها شکل می‌گیرند. براساس تصویر گرفته‌شده از تکوین معانی، که براساس تنوع در همگرایی و اندازه‌گیری معانی بر مبنای عوامل معناساز انجام شده است، ادراک مفاهیم موجود در خانه‌ها به وجود عناصر

فرهنگی و قرارگیری عناصر معنابخش در نقاط کانونی بر می‌گردد. در نتیجه، این سیستم براساس اصول نشانه‌شناسی و ادراک معانی در فضاهای سنتی یزد، یک سیستم تداوم، ارتباط و دیالوگ را در گستره فرهنگی این شهر شکل می‌دهد. در بررسی نمونه‌های موردی، مانند خانه‌های رسولیان، لاری‌ها، مرتاض، مهدی رسولیان، نیک‌بین و شفیع‌پور، مشاهده شد که طراحی این خانه‌ها با رعایت اصول نشانه‌شناسی، معنای عمیقی از هویت فرهنگی و اجتماعی مردم یزد را به نمایش می‌گذارد. این خانه‌ها علاوه بر پاسخ‌گویی به نیازهای جسمانی ساکنان،

معانی نهفته در نشانه‌هاست. این رابطه تنگاتنگ معناشناسی و نشانه‌شناسی، در تحلیل معماری به‌وضوح مشاهده می‌شود. در بررسی خانه‌های سنتی ایرانی نیز، نشانه‌ها و معانی آن‌ها در سطوح مختلف صریح، ضمنی و نمادین تحلیل شده‌اند. این سطوح مختلف معنا در معماری ایرانی به شکل‌های گوناگون بازتاب می‌یابند و با فرهنگ و جامعه‌ای که در آن شکل گرفته‌اند، در تعامل قرار می‌گیرند. وظیفه اصلی فرهنگ، به‌عنوان سازمان‌دهنده جهان اطراف انسان به‌لحاظ ساختاری، در هر زمان براساس خصوصیت تجدید معانی با دریافت بازخوردها از محیط انجام می‌شود. بنابراین، نشانه‌های فرهنگی در معماری خانه‌های سنتی می‌توانند پایه‌گذار زبان جدیدی در معماری معاصر باشند. این نشانه‌ها به‌صورت سیال در طول زمان در معماری وجود داشته‌اند و می‌توانند در قالب‌های جدیدی در معماری معاصر بازتاب یابند و به‌طور مؤثری به تداوم و ارتقای هویت معماری محلی کمک کنند. توجه به این مفاهیم و نشانه‌ها در طراحی معماری معاصر، زمینه‌ساز ارتباط میان هویت تاریخی و مکانی و نیازهای جدید خواهد بود. برای رسیدن به این هدف، راهبردهای تصویر ۵ پیشنهاد می‌شود.

از طریق طراحی فضای داخلی، استفاده از نمادها و رنگ‌ها و رعایت اصول زیبایی‌شناختی در ایجاد آرامش و امنیت روانی موفق عمل کرده‌اند. در این پژوهش، خانه سنتی شهری ایرانی به‌لحاظ معناشناختی تحت رویکرد نشانه‌شناسی لایه‌ای بررسی شده است. این خانه‌ها با دارا بودن ساختار و بناهای مختلف در چندین لایه و سطح با مخاطب ارتباط برقرار می‌کنند. برخلاف معماری و طراحی سرگشته امروزی در ایران، معماری سنتی ایرانی با بهره‌گیری از رمزگان‌های فرهنگی و اجتماعی، ارتباط عمیقی با فرهنگ و جامعه دارد. در این خانه‌ها، معنا در لایه‌های مختلفی تجلی می‌یابد؛ از سطح عملکردی و کارکردی تا سطح زیبایی‌شناختی و نمادین. این خانه‌ها نه‌تنها نیازهای ابتدایی ساکنان را برآورده می‌کنند، بلکه به‌وسیله عناصر و نشانه‌های معماری خود، مفاهیم عمیق‌تری از فرهنگ و هویت محلی را انتقال می‌دهند. این یافته‌ها نشان می‌دهد که نمونه‌های موردی این پژوهش می‌توانند به‌عنوان الگویی برای طراحی‌های معاصر قرار شوند، به‌ویژه در ایجاد فضاهایی که هویت فرهنگی و محلی را در طراحی‌های معماری معاصر به‌درستی منتقل کنند. معناشناسی به‌عنوان بخشی از نشانه‌شناسی، در پی درک و تفسیر



تصویر ۵. مبانی فرهنگی و تأثیر آن‌ها بر ایجاد معنا در خانه با رویکرد جهانی - محلی. مأخذ: نگارندگان.

اعلام عدم تعارض منافع

نویسندگان اعلام می کنند در انجام این پژوهش هیچ گونه تعارض منافی برای ایشان وجود نداشته است.

پی نوشت ها

۱. /John Locke ۵ /Saint Augustinus ۴ /Stoicism ۳ /Aristotle ۲ /platon ۱
 ۶. /Umberto Eco ۸ /Charles Sanders Peirce ۷ / Ferdinand de Saussure
 Paul ۱۲ /Hans-Georg Gadamer ۱۱ /Louis Hjelmslev ۱۰ /Roland Barthes
 Wittgenstein ۱۴ /Jacques Derrida ۱۳ /Michel Foucault

فهرست منابع

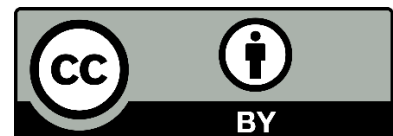
- احمدخانی، محمدرضا. (۱۳۹۳). نشانه شناسی: زبان و هنر. نشر گمان.
- حیدری، شاهین. (۱۳۹۵). درآمدی بر روش تحقیق در معماری با نگرشی تحلیلی بر پایان نامه نویسی معماری (ویرایش سوم). فکر نو.
- رسولی، محمدرضا، و نعمت‌اللهی، پویا. (۱۴۰۰). نظریه گفتمان: از ساختارگرایی تا پساساختارگرایی، لوگوسن.
- سجودی فرزاد. (۱۳۸۳). نشانه شناسی لایه‌ای و کاربرد آن در تحلیل نشانه‌شناختی متون هنری. در فرزاد سجودی و فرهاد طاهری (ویراستاران)، مجموعه مقالات اولین هم‌اندیشی نشانه‌شناسی هنر. فرهنگستان هنر.
- سجودی، فرزاد. (۱۳۸۸ الف). چالش‌ها در لایه‌های متن: تحلیل نشانه‌شناسانه مسجد امام اصفهان. در فرزاد سجودی (مؤلف)، نشانه‌شناسی نظریه و عمل. علم.
- سجودی، فرزاد. (۱۳۸۸ ب). نشانه‌شناسی نظریه و عمل. علم.
- سجودی، فرزاد. (۱۳۸۸ ج). نشانه‌شناسی کاربردی. علم.
- شعیری، حمیدرضا. (۱۳۹۷). تحلیل نشانه‌معناشناختی تصویر. علم.
- ضیمران، محمد. (۱۳۸۲). درآمدی بر نشانه‌شناسی هنر. قصه.
- فکوهی، ناصر. (۱۳۸۳). انسان‌شناسی شهری. نشر نی.
- قلیچ‌خانی، بهنام. (۱۳۹۱). رویکردی تحلیلی به سیر تحول خانه ایرانی در عهد قاجار [رساله دکتری منتشر نشده]. دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات.
- محمدی، عرفان و ریاحی، پیام. (۱۳۹۷). نشانه‌شناسی در معماری. جهاد دانشگاهی واحد شهید بهشتی.
- محمدی، عرفان و مختاری، مهدیه. (۱۳۹۷). بررسی تأثیر معماری سنتی بر معماری معاصر با نگاه بر معماری شهر کاشان. معماری‌شناسی، ۱۱(۴۰)، ۶۷-۸۰. <https://sid.ir/paper/516567/fa#downloadbottom>
- میرزایی، حسین؛ سلطانی بهرام، سعید؛ و قاسم‌زاده، داوود. (۱۳۹۱). عاملیت و ساختار در اندیشه میشل فوکو. مطالعات جامعه‌شناسی، ۵(۱۷)، ۵۵-۶۹. https://journals.iau.ir/article_521110.html
- نجومیان، امیرعلی. (۱۳۹۶). نشانه‌شناسی؛ مقالات کلیدی. نشر مروارید.
- Afshari Basir, M. R., Foroutan, M., & Soroush, M. M. (2022). Analyzing the traditional houses of Hamadan city with the method of layered semiotics. *Industrial Arts*, 2(2), 51- 66. <https://doi.org/10.22034/rac.2023.560461.1027>
- Aghalatif, A., & Hojjat, I. (2019). Impression of meaning of home from physical transformation in contemporary era of Tehran. *Journal of Fine Arts: Architecture & Urban Planning*, 23(4), 41- 54. <https://doi.org/10.22059/jfaup.2018.219937.671690>
- Ahmadi, B. (2007). *The Text structure and textual interpretation*. Markaz.
- Appleyard, D. (1979). Home. *Architectural Association Quarterly*, 2, 220-.
- Bakhtiari, N., Shali Amini, V., & Pourzargar, M. (2022). An analysis of the issue of interpretation in the architecture of the subculture. *Culture of Islamic Architecture and Urbanism Journal*, 7(1), 21- 35. <https://www.sid.ir/paper/1017795/en>
- Barthes, R. (1991). *Elements of Semiology* (M. Mohammadi, Trans.). Alhoda. (Original work published 1967)
- Canter, D. (1977). *The Psychology of Place*. Palgrave Macmillan. https://www.researchgate.net/publication/232600712_The_Psychology_of_Place
- Castells, M. (2001). *The rise of the network society* (H. Chavoshian, Tarh-e No. (Original work published 1996)
- Chandler, D. (2007). *Semiotics: The Basics* (M. Parsa, Trans.). Soore Mehr. (Original work published 2001)
- Cobley, P., & Jansz, L. (2010). *Introducing semiotics: A graphic guide* (M. Nabavi, Trans.). Shiraze-ye Ketab-e Ma. (Original work published 1997)
- Cooper Marcus, C. (1997). *House as a mirror of self: Exploring the deeper meaning of home*. Conari Press.
- Culler, J. (2002a). *The pursuit of signs : semiotics, literature, deconstruction* (L. Sadeghi & T. Amrolahi, Trans. & F. Soojodi, Ed.). Elm. (Original work published 2002)
- Culler, J. (2002b). *Structuralist Poetics: Structuralism, Linguistics and the Study of Literature* (2nd ed.). Routledge.
- Daneshpour, A. H., Rezazadeh, R., Soojodi, F., & Mohammadi, M. (2013). An investigation into the function and meaning of modern city form through a stratified semiotics approach. *Journal of Architecture and Urban Planning*, 6(11), 71-88. <https://doi.org/10.30480/aup.2013.112>
- Danesi, M. (2007). *The quest for meaning: A guide to semiotic theory and practice*. University of Toronto Press. https://books.google.com/books/about/The_Quest_for_Meaning.html?id=as6_qARSeBIC
- Dehkhoda, A. A. (1998). *Dehkhoda Dictionary*. University of Tehran.
- Denida, J. (2016). *Ecriture et la difference* [Writing and Difference] (A. Rashidian, Trans.). Tehran: Nashr-e Ney. (Original work published 1967)
- Diba, S. (1995). *Contemporary Iranian Architecture*. Shahid Beheshti University.
- Duncan, J. S. (1990). *The city as text: The politics of landscape interpretation in the Kandyan Kingdom*. Cambridge University Press.
- Eco, U. (1979). Function and sign: The semiotics of architecture. In N. Leach (Ed.), *Rethinking architecture: A reader in cultural theory*. Routledge.
- Eco, U. (2018a). *Le signe : histoire et analyse dun concept* [Sign, History, and the Analysis of a Concept] (M. Mehrabi, Trans.). Elmi va Farhangi Publishing. (Original work published 1988)
- Eco, U. (2018b). *La production des signes* [Semiotics] (P. Izadi, Trans.). Saless. (Original work published 1992)
- Falahat, M. S. (2006). The sense of space and its factors. *Honar-haye-Ziba*, 26, 57-66. <https://sid.ir/paper/5847/en>
- Flamaki, M. M., & Ghafari, A. (2017). Semiotic theories of architecture and city reflected in readings. *Urban Management*, 15(45), 339-350. <http://ijurm.imo.org.ir/article-11433-fa.html>
- Gadamer, H. G. (2016). *Hermeneutics, Language, and Art: Six Hermeneutic Essays* (A. Amini, Trans.). Porsesh. (Original work published 1986)
- Guiraud, P. (2013). *La sémiologie* [Semiotics: Theory and Practice] (M. Nabavi, Trans.). Agah. (Original work published 1971)
- Haeri, M. R. (2009). *House in culture & nature of Iran*. Housing and Urban Development Research Center, Iran Ministry of Roads & Urban

Development.

- Hall, E. (1997). *The Hidden Dimension* (M. Tabibian, Trans.). University of Tehran. (Original work published 1966)
- Hayward, G. (1975). Home as an environmental and psychological concept. *Landscape, 20*, 2- 9.
- Heidari, A. A., Peyvaste Gar, Y., Mohebi Nejad, S., & Kiaee, M. (2019). Evaluation of the methods of confidentiality in three Peymoon of large, small, and break in the articulation of Iranian-Islamic housing using space syntax techniques. *MMI, 8*(16), 51–68. <http://mmi.aui.ac.ir/article-1467-fa.html>
- Jakobson, R. (1997). Linguistics and poetics. In K. M. Newton (Ed.), *Twentieth century literary theory: A reader* (pp. 71–77). Palgrave Macmillan.
- Javan Forouzande, A., & Motalebi, G. (2011). The concept of place attachment and its elements. *Hoviatshahr, 4*(8), 27- 37. <https://www.sid.ir/paper/154544/en>
- Locke, J. (2020). *An Essay Concerning Human Understanding* (K. Lajvardi, Trans.). Nashre Markaz. (Original work published 1689)
- Lotman, Y. (1977). *The Structure of the Artistic Text* (R. Vroon, Trans.). University of Michigan Press. https://www.google.com/url?sa=t&source=web&rct=j&opi=89978449&url=https://monoskop.org/images/33/e/Lotman_Jurij_The_Structure_of_the_Artistic_Text_1977.pdf&ved=2ahUKEwibqezR68iNAXUffaQEHWtJN-kQFnoECBYQAQ&usg=AOvVaw10yAM0YrqtPK3lsIuUnLZI (Original work published 1970)
- Lotman, Y. M. (2021). *Cultural semiotics* (F. Soojodi, Trans.). Elm. (Original work published 1970)
- Lotman, Y., & Uspensky, B. (1978). On the Semiotic Mechanism of Culture. *New Literary History, 9*(2), 211- 232. <https://doi.org/10.2307468571/>
- Mirgholami, M., Shahanaghi, A. W., & Robati, M. B. (2013). Urban semiotics and its role in legibility and identification of environment: Case study: Nazi Abad Neighborhood. *Naqshejahan, 3*(1), 31–42.. <http://bsnt.modares.ac.ir/article-26990-fa.html>
- Mokhtabad-Amrei, S. M., & Dabagh, A. (2011). Postmodern architectural interpretation from a semiotic perspective. *Hoviatshahr, 9*(5), 59–72. <https://sanad.iau.ir/en/Journal/hoviatshahr/Article/795428>
- Mozaffar, F., Hosseini, S. B., & Abdemajiri, A. (2012). Culture in architectural researches. *Journal of Housing and Rural Environment, 31*(138), 29- 38. <https://jhre.ir/article-1236-en.html>
- Nesbitt, K. (2012). *Theorizing new agenda for architecture an anthology of architectural theory* (M. R. Shirazi, Trans.). Nashr-e Ney. (Original work published 1996)
- Newton, C., & Putnam, T. (1998). *Household Choices*. Futures.
- Noghrekar, A., & Raesi, M. M. (2011). Semiology's analysis of Iranians housing system based on relations of text/housing layers. *Journal of Fine Arts: Architecture & Urban Planning, 3*(46), 5- 14. https://jfaup.ut.ac.ir/article_25056.html?lang=en
- Norberg-Shulz, Ch. (2008). *Meaning in Western Architecture* (M. Qayoumi Bidehendi, Trans.). Iranian Academy of Arts. (Original work published 1974)
- Pourjafar, M. R., & Montazerolhojjah, M. (2010). *Landmarks definitions, typology, site selection, planning design*. Tahan Publishing.
- Proshansky, H. M. (1978). The city and self-identity. *Environment and Behavior, 10*(2), 147- 169. <https://www.deepdyve.com/lp/sage/the-city-and-self-identity-57AHYhzEhz?key=sage>
- Rapoport, A. (2009). *Pour une anthropologie de la maison* [House, Culture, and Anthropology] (K. Afzalian, Trans.). Kasra Publishing. (Original work published 1972)
- Safavi, K. (2018). *An introduction to semantics*. Soore Mehr.
- Saussure, F. D. (1983). *Course in General Linguistics* (Roy Harris, Trans.). Open Court Publishing. https://www.google.com/url?sa=t&source=web&rct=j&opi=89978449&url=https://english.hku.hk/staff/kjohnson/PDF/SaussureFerdinandGENERAL1972.pdf&ved=2ahUKEwjz6sim7siNAXVdhP0HHdonJnIQFnoECBkQAQ&usg=AOvVaw3Mg_Ljx2TrRP2M4dMy7GPw (Original work published 1916)
- Semenenko, A. (2017). *The texture of culture : an introduction to Yuri Lotman's semiotic theory* (H. Sarafraz, Trans.). Elmi va Farhangi. (Original work published 2012)
- Sholeh, M. (2009). The urban semiotic fields analysis methodology. *Journal of Fine Arts: Architecture & Urban Planning, 1*(39), 105-116. <https://www.sid.ir/paper/115807/en>
- Tajik, M. (2010). Semiotics: Theory & method. *Research Letter of Political Science, 5*(4), 7- 39. <https://www.sid.ir/paper/115807/en>
- Tavakolnia, J., Sarrafi, M., & Dashtvareh, F. (2017). Comparative analysis of approaches related to the Iranian-Islamic city. *Journal of Studies on Iranian Islamic City, 7*(28), 5- 20.
- Tognoli, J. (1987). Residential Environments. In D. Stokols, & I. Altman (Eds.), *Handbook of Environmental Psychology* (Vol. 1, pp. 655690-). John Wiley & Sons.

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the Bagh-e Nazar Journal. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله:

محمودی غزنوی، زهرا و احمدی، وحید. (۱۴۰۴). واکاوی نشانه‌شناسی لایه‌ای و ادراک معانی در معماری خانه‌های سنتی یزد. *باغ نظر*، ۳۵-۵۰، (۱۴۵) ۲۲.

DOI: [10.22034/BAGH.2025.447782.5575](https://doi.org/10.22034/BAGH.2025.447782.5575)
 URL: https://www.bagh-sj.com/article_221548.html

